**آیا کسی از انقلابیون جان بدر برده از خیزش ۲۰۱۱ سوریه، نیروهای کارگری**

**و ستمدیدگان، تجارب مبارزاتی آنان، امکانات و نیازهای کنونی مبارزاتی شان خبری دارد؟**

در یکی از جلسات فوروم سرخ\*، اگر اشتباه نکنم ۲۰۱۴، دو رفیق از سوریه نقد مشخصی را نسبت به ما، فعالین سوسیالیست ایرانی مطرح کردند. چرا سوسیالیست ها و چپ های ایران از جنبش انقلابی ۲۰۱۱ سوریه حمایت نکردند؟ جمهوری اسلامی ایران نقش تعیین کننده ای در سرکوبِ جنبش انقلابیِ سوریه داشت چرا علیه رژیم حاکم بر ایران افشاء گری نشد، چرا اعتراضی صورت نگرفت ؟؟ رفیق مردی که از همین زندان صیدنایا ـ اکنون فیلم هايی از آنرا می بینیم، رها شده بود ، همراه با رفیق زنی که از روند مبارزات آن دوران، روند شکل گیری «کمیته های هماهنگی محلی» در مارس ۲۰۱۱ ، و نقشی که این کمیته ها در هماهنگی و رهبری جنبش داشتند سخن می گفتند.

 از اینکه آن جنبش با خواست آزادی و عدالت اجتماعی پا به میدان گذاشته بود، از گستردگی این جنبش و چگونگی سرکوب آن، از به نابودی کشاندن کمیته های انقلابی ، از اخراج دسته جمعی کارگران معترض و کشتار آنان، از به اسارت کشاندن گسترده معترضین، زنان و مردان آزادیخواه، سوسیالیست و آنارشیست، از پر شدن زندانها و استفاده‌ی از گاز سارین برای کشتن غیر نظامیان معترض در یکی از حومه‌های دمشق در اوت ۲۰۱۳ و همچنین نقش سنگین جمهوری اسلامی ایران در این سرکوب و باز شدن میدان برای رشد هر چه بیشتر نیروهای بنیاد گرا و سلفی در پی جای خالی انقلابیون.

 البته، آنزمان بودند فعالین سوسیالیست و انقلابی که از جنبش انقلابیِ سوریه حمایت کرده بودند ولی آنچه بیشتر خودنمايی می کرد سکوت سنگینی بود که بر اکثریت مخالفین جمهوری اسلامی و از جمله چپ، به معنای گسترده آن و حتی بخشی از چپ جهانی سایه انداخته بود. این رفقای سوری به حاکمان، نیروها و جراید و مطبوعات سرمایه داری توهمی نداشتند، نقد شان رو به انسانها و نیروهايی بود که علیه سلطه، استثمار و سرمایه بودند. و انتظارِ حمایتی که پاسخ نگرفته بود.

اعتراضات در سوریه از ماه ژانویه ۲۰۱۱ آغاز شد که طبق آمار رسمی در جریان آن بیش از ۵۰۰۰ نفر از معترضان، توسط نیروهای نظامی و امنیتی دولت بشار اسد، با کمک موثرِ جمهوری اسلامی ایران کشته و حدود ۱۴ هزار نفر دستگیر شدند و همزمان ۱۵۰۰ نفر از زندانیان سلفی و رهبرانشان ازاد شدند.

و اکنون بعد از گذشت حدود ۱۳ سال جنگ و نابودی ، قدرت سیاسی از دستی به دست دیگر داده شده است. هردو دستان خونبار و در خدمت سرمایه و ارتجاع.

درهای زندانها باز شدند ومتاسفانه امیدی نیست دوباره از دیگر انسانها و شاید بخشی از همان قدیمی ها پر نشوند. مردمِ لبریز از رنج، غوطه ور درسیلاب اشگ، عزیزانشان را در آغوش میکشند، شاید فرصت در همین لحظه تمام شود، همین قدر کوتاه.

 ولی آیا سخن از سوریه، فقط و فقط به بنیادگرایان، جانیان داعشی، تحریر شام، جولانی و بشار اسد.، آمریکا، روسیه ، ترکیه ، ایران و جنگ امپریالیست ها خلاصه می شود؟

 آیا کسی از انقلابیون جان بدر برده از خیزش ۲۰۱۱ خبری دارد؟ از نیروهای کارگری و ستمدیدگان و تجارب مبارزاتی شان، امکانات و نیازهای کنونی مبارزاتی شان، آنانی که امیدِ رهايی از این هستی برده وار هستند سخنی در میان نیست! آیا آزادیخواهان و سوسیالیست هائی در آنجا نیستند؟ که ما از آنها هم بگوئیم، آنهايی که در هیج کجای این دنیای دهشتبارِ جنگ و سرمایه صدايی ندارند. شاید راهی باشد، شاید بتوانیم دست یاری بهم دهیم!؟

مهرنوش شفیعی ـ دسامبر۲۰۲۴

* فوروم سرخ متشکل بود از گروهای سوسیالیست، از نحله های مختلف، در استکهلم وعلیه سیاست های سرمایه دارانه، راسیستی و سرکوب گرانه و در حمایت از جنبش های اجتماعی و انقلابی در کشورهای مختلف، فعالیت می کرد. فعالیت های این جمع چندین سال ادامه داشت.

پ.ن: فریدا آفاری سال ۲۰۱۶ چند مصاحبه با تعدادی از مبارزین سوری انجام داده است که تا حدودی، خیزش انقلابی ۲۰۱۱، نقش ج.ا. و چپی که اسد را ضد امپریالیست می دانست را توضیح داده اند ، این مصاحبه ها در اینترنت قابل دسترسی هستند.